

بررسی آثار دینی، تربیتی و سیاسی اعتقاد به مهدویت در کیفیت بخشی به زندگی دانش‌آموزان

زهرا بهاروند ایران‌نیا^۱
شهریار شادی گو^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۳/۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۲۹

چکیده

هدف از انجام پژوهش توصیفی / پیمایشی حاضر، بررسی آثار دینی، تربیتی و سیاسی اعتقاد به مهدویت در کیفیت بخشی به زندگی دانش‌آموزان خرم‌آباد بود. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه شهرستان خرم‌آباد به تعداد ۸۰۰۰ نفر بود که از میان آنها نمونه آماری با استفاده از جدول مورگان به تعداد ۳۶۷ نفر برآورد و به صورت نمونه‌گیری تصادفی گزینش شد. ابزار پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته روا و پایا بود. به منظور تعیین نرمال بودن داده‌ها از آزمون کولموگروف اسمیرنوف و برای تأیید صحت فرضیه‌ها از آزمون رگرسیون در محیط نرم‌افزار آماری SPSS استفاده شد. نتایج نشان داد آثار دینی، تربیتی و سیاسی اعتقاد به مهدویت در کیفیت بخشی به زندگی دانش‌آموزان مؤثر بوده است. واژگان کلیدی: اعتقاد به مهدویت، آثار دینی، آثار تربیتی، آثار سیاسی، کیفیت زندگی، دانش‌آموزان دختر.

مقدمه

مسئله مهدویت قابل تطبیق با مسئله "موعودگرایی یا منجی‌گرایی"، "نجات یا رستگاری" در دیگر ادیان است. این مؤلفه دینی یک نظریه اعتقادی - جهانی می‌باشد

۱. استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان تهران، ایران (نویسنده مسئول)
(Zahra_irannia_2010@yahoo.com)

۲. استادیار گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان تهران، ایران (kamyar137884@gmail.com)

که قابلیت تفسیر حوزه‌های متفاوت حیات فردی و جمعی همچون سیاست، حکومت، اقتصاد، مدیریت، انسان‌شناسی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و امثال آن را دارا است؛ به طوری که می‌توان نظریه‌ها و الگوهای متفاوتی را در این زمینه براساس فرهنگ مهدویت ارائه داد. مهدویت به سری مباحثی گفته می‌شود که پیرامون احوال حضرت مهدی علیه السلام است و با نگاهی کلی‌تر و برون‌دینی، شامل نگاه منجی‌گرایانه و آخرالزمانی بشری به مقطع پایان تاریخ اعم از نگاه اساسی به آخرالزمان یا نگاه ادیان و مکاتب دیگر به آن و اتفاقات این دوران می‌باشد.

مهدویت اعتقاد به حضرت مهدی علیه السلام است و باور به این‌که او فردی است که در آخرالزمان ظهور می‌کند و جهان پر شده از ظلم و جور را سرشار از عدل و داد می‌سازد. اعتقاد به منجی تنها یک باور اسامی با رنگ خاص دینی نیست؛ بلکه افزون بر آن، عنوانی برای خواسته‌ها و آرزوهای همه انسان‌ها با مذاهب گوناگون و منعکس‌کننده الهام فطری آنها می‌باشد. انسان‌ها با همه اختلاف‌هایشان در عقیده و مذهب، دریافته‌اند که با فرارسیدن روز موعود، هدف نهایی و مقصد بزرگ رسالت‌های آسمانی تحقق می‌یابد. با وجود برخی اختلافات، اصل اعتقاد به مهدویت از آموزه‌های مسلم اسامی است. روایات بسیاری از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و دیگر امامان معصوم علیهم السلام در این باره نقل شده است. انتظار فرج یکی از ارکان اساسی مذهب شیعه به شمار می‌آید (ابراهیمی، ۱۳۷۲). اندیشه پیروزی نهایی نیروی حق بر باطل اندیشه‌ای است که همه فرقه‌ها و مذاهب بدان معتقد هستند، زیرا این اندیشه، براساس اصل و ریشه قرآنی می‌باشد. این اندیشه بیش از هر چیز مشتمل بر عنصر خوش‌بینی نسبت به جریان کلی نظام طبیعت و سیر تکاملی تاریخ است، به آینده اطمینان دارد و عنصر بدبینی نسبت به پایان کار بشر را طرد می‌کند. امید و آرزوی تحقق این نوید کلی جهانی انسانی در زبان روایات اسامی، "انتظار فرج" خوانده شده است (جوادی آملی، ۱۳۷۵).

در ارتباط با نقش اعتقاد به مهدویت در زندگی و معنابخشی به آن پژوهش‌هایی انجام شده که به دو مورد اشاره می‌شود. پژوهش اول مربوط به اله‌بداستی می‌باشد که در سال ۱۳۹۹ تحت عنوان "نقش مهدویت در معناداری زندگی شیعیان" انجام شده است. در این پژوهش از جمله مسائل مهم کلام امروزی، بحث معناداری زندگی دانسته شده است. ایده مهدویت نیز با عناوین گوناگون، یکی از ایده‌های مشترک ادیان توحیدی، حتی برخی ادیان و مکاتب غیرالهی

به شمار آمده است. این نوشتار در پی اثبات رابطه مهدویت و معناداری زندگی شیعیان معتقد به حیات غایبانه آن حضرت بوده است. بدین منظور ابتدا معنا و ارکان مهدویت و معنای معناداری زندگی بررسی، سپس به روش استقرایی و با تکیه بر تواتر اخبار وارده، به اثبات مسئله پرداخته شده است. مفتاح و همکاران در سال ۱۳۹۸ نیز در پژوهشی تحت عنوان "نقش باور به مهدویت در معنابخشی زندگی فردی" به بررسی نقش باور به مهدویت در معنابخشی زندگی فردی پرداخته‌اند. در این پژوهش معنادار بودن زندگی از جمله دغدغه‌های انسان معاصر فرض شده است. در ادامه این طور آمده که اندیشه‌ها، باورها و آرمان‌های فردی و جمعی نقش تعیین‌کننده‌ای در معنا داشتن زندگی دارد. پژوهشگران این مقاله در مباحث فلسفی برای معنای زندگی سه معنای هدفمند بودن، ارزش مدار بودن و کارکرد داشتن مطرح کرده و نشان داده‌اند که باور به مهدویت به هر سه معنای مورد نظر به زندگی شیعیان معنا می‌دهد. در مورد هدفمندی، باور به مهدویت از این جهت که جهان، رو به خیر حرکت می‌کند و بر عدالت‌گستری و مبارزه با ظلم و فساد تأکید می‌کند، به زندگی معنا می‌دهد. در مورد ارزش محوری، باور به مهدویت از این جهت که احیای اسلام راستین، تأمین رفاه و آرامش، رضایتمندی و عشق به محبوب، ارزش محسوب می‌شود و در مورد کارکرد داشتن از آن رو که باور به مهدویت موجب پارسایی، اخلاق مداری مسئولیت‌پذیری و امیدبخشی می‌شود زندگی منتظران معنا پیدا می‌کند.

با توجه به نقش بی‌بدیل اعتقاد به مهدویت در معنابخشی و کیفیت‌دهی به زندگی، در مقاله حاضر سعی بر آن گردید تا به آزمون فرضیه‌های زیر پرداخته شود:

- آثار دینی اعتقاد به مهدویت در کیفیت بخشی به زندگی دانش‌آموزان تأثیر دارد؛
- آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت در کیفیت بخشی به زندگی دانش‌آموزان تأثیر دارد؛
- آثار سیاسی اعتقاد به مهدویت در کیفیت بخشی به زندگی دانش‌آموزان تأثیر دارد.

مبانی نظری

اعتقاد به ظهور منجی و مهدویت در معنای عام خود، یک باور دینی فراگیر در بین انسان‌ها بوده است. در ادیان مختلف چنین اعتقادی به نحو ملموس و بارزی تجلی یافته است و منجی با تعابیر مختلفی چون «کالکی» در آیین هندو، «مسیحا» در یهود و مسیحیت، «سوشیانت» در زرتشت و در نهایت، «مهدی علیه السلام» در فرهنگ اسلامی یاد شده است. چنین

تعبیر و باورهایی به رغم تفاوت‌های خاص خود در تأکید بر ظهور یک منجی جهت گشودن راه جدیدی فراروی انسان در جهت نیل به سعادت ابدی، مشترک هستند. از این رو مهدویت و منجی‌گرایی دغدغه تمامی انسان‌ها و در دوران‌های مختلف تاریخی بوده است و در روزگار ما نیز که انسان معاصر دچار بی‌عدالتی‌ها و ظلم در عرصه جهانی است، این مسئله حایز اهمیت می‌باشد (شریعتی، ۱۳۶۲).

گفتیم انقلاب مهدی تحوّل‌ی عظیم در تاریخ بشر است. در خصوص تحوّل‌ات تاریخی، دو نوع بینش وجود دارد که براساس هر یک، انتظار، معنای خاصی می‌یابد. یک دیدگاه این است که تحوّل‌ات تاریخی ضابطه‌مند نیست یا اگر ضابطه‌مند است، اراده انسانی در آن نقشی ندارد و بر روند تاریخ، جبری حاکم است. کسی که معتقد باشد تحوّل‌ات تاریخی ضابطه‌مند نیست، باید قائل شود به این که این تحولات قابل شناختن نیستند؛ پس قیام مهدی را هم نمی‌توان تحلیل کرد؛ آن‌گاه انتظار، یعنی منتظر یک حادثه عجیب و غریب ماندن و کاری نکردن تا بلکه دستی از غیب برون آید و کاری بکند. این‌جا است که باب تأویلات نادرست در خصوص احادیث ظهور، باز می‌شود و حتی برخی خواهند گفت: چون جهان باید پراز ستم شود تا مهدی بیاید، پس ما هم به رواج ظلم کمک کنیم. کسی هم که قائل باشد تحوّل‌ات، ضابطه‌مندند، اما اراده انسانی در آنها نقشی ندارد نیز چاره‌ای ندارد جز این که بگوید: کاری نمی‌توان کرد و یگانه کار، حرکت در همین سیر جبری است و باز هم در این منطق، اصلاحات مردود است. براساس هر دو رویکرد این دیدگاه، قیام مهدی صرفاً ماهیت انفجاری دارد و فقط و فقط از گسترش و اشاعه ستم‌ها و تبعیض‌ها ناشی می‌شود؛ آن‌گاه که صلاح به نقطه صفر برسد، حق و حقیقت هیچ طرفداری نداشته باشد و باطل یگانه تاز میدان شود، این انفجار رخ می‌دهد و دست غیب برای نجات حقیقت (نه اهل حقیقت، زیرا حقیقت طرفداری ندارد) از آستین بیرون می‌آید (مطهری، ۱۳۶۷).

دیدگاه دوم آن است که تحوّل‌ات تاریخی ضابطه‌مندند و اراده انسانی در آنها نقش دارند که در بخش اول در واقع مبانی این دیدگاه را تبیین کردیم. در این دیدگاه نیز دوگونه تصویر وجود دارد که شاید بتوان تفاوت دکتر شریعتی و استاد مطهری را در مسئله انتظار در این موضع دید. یک تصویر اگزستانسیالیستی است که در این تصویر، اراده انسان نقش بسیار مهمی دارد؛ اما هدفی ورای انسان قائل نیست و معتقد است که خود انسان باید هدف برای خود بیافریند (مطهری، ۱۳۷۲). در واقع از دید آنها، پذیرش هر هدفی ورای انسان و حرکت انسان به سمت

آن هدف مستلزم از خود بیگانگی است؛ پس از پیش نباید هیچ هدفی را برای انسان قائل شد؛ بلکه هر کسی هر هدفی دلش می خواهد برای خود برگزیند و به سمت آن حرکت کند؛ اما اشکالات این تصویر اگر بیشتر از دیدگاه قبل نباشد، کم تر نیست. مهم ترین اشکالش این است که اصلاً آفریدن ارزش به معنای دقیق کلمه سخنی بی معنا است. آیا به واقع معقول است که انسان فرض کند در مقابلش هدفی هست؛ آن گاه به سمت آن هدف فرضی و برای رسیدن به آن حرکت کند. این مثل کار بت پرست ها است که بت را می آفرینند و بعد می پرستیدند و انسان داستان آن مرد ساده لوح را به یاد می آورد که برای رهایی از آزار بچه ها به آنها گفت: در کوچه بالاتر آش نذری می دهند و وقتی بچه ها به آن سمت دویدند، با خود گفت شاید واقعاً آش می دهند و خودش هم به آن سمت حرکت کرد. هدف فرضی معنا ندارد، هدف باید واقعی باشد؛ اما در عین حال برگرفته از عمق وجود خود آدمی باشد به نحوی که حرکت به سمت آن، حرکت کمالی برای خود تلقی شود، نه حرکتی به سمت از خود بیگانگی. در هر حال، در این تصویر انتظار به معنای اعتراض همیشگی به هر وضعی است و مستلزم اصالت انقلاب است؛ یعنی اگر هیچ هدف خاص و معینی قبول نشود، آن گاه به هر حالتی انسان باید معترض باشد و هیچ هدفی را که عده ای پذیرفته اند نپذیرد؛ زیرا دیگر انتظار به پایان خواهد رسید، و به نظر می رسد دیدگاه دکتر شریعتی در کتاب *انتظار، مکتب اعتراض* چنین مبنایی داشته باشد (شیخ مفید، ۱۴۱۴ ق).

در تصویر دوم از دیدگاه باید گفت: درست است که اراده انسانی نقش مهمی در تحولات تاریخی دارد؛ اما با توجه به اصالت فطرت و جهت گیری واقعی درون انسان به سمت هدف واقعی، این انتظار معنای خاصی می یابد، و آن اولاً قبول این است که حق از باطل قابل تشخیص است و ثانیاً وظیفه اصلی منتظر «تقویت دائم جبهه حق و تلاش برای مشخص تر کردن مرز حق و باطل» برای به ثمر رسیدن آن نبرد عظیم جهانی خواهد بود. بدین معنا، انتظار، هم به لحاظ فردی و هم به لحاظ اجتماعی نه تنها حالت سلبی نیست، بلکه فعل ایجابی است که بر تمام افعال ما سایه می افکند و بدین سبب، افضل اعمال شمرده شده است. به لحاظ فردی کسی می تواند واقعاً منتظر حکومت عدل باشد و آرزوی عدالت جهانی را در سر پیوراند که خودش با عدل خو گرفته باشد و مزاجش با عدل سازگار باشد. کسی می تواند منتظر عدل جهانی باشد که عدل را دوست داشته باشد و کسی که عدل را دوست داشته باشد، در درجه اول خودش اهل عدل خواهد بود و این است که گفته اند: «منتظران مصلح، خود، باید

صالح باشند». به لحاظ اجتماعی نیز هر حرکت اصلاحی که در جهت پیروزی حق باشد، وظیفه منتظران است؛ پس «اصلاحات جزئی و تدریجی نه تنها محکوم نیست، بلکه به نوبه خود، آهنگ حرکت تاریخ را به سود اهل حق تند می‌نماید و برعکس، فسادها، تباهی‌ها و فسق و فجورها کمک به نیروی مقابل است و آهنگ حرکت تاریخ را به زیان اهل حق کند می‌کند؛ بنابراین در این بینش آنچه باید رخ دهد، از قبیل رسیدن یک میوه بر شاخه درخت است نه از قبیل انفجار یک دیگ بخار. درخت هر چه بهتر از نظر آبیاری و... مراقبت گردد و هر چه بیشتر با آفاتش مبارزه شود، میوه بهتر و سالم‌تر و احیاناً زودتر تحویل می‌دهد (مطهری، ۱۳۷۱)

بدین معنا، وظیفه کلی ما در برابر مسئله جهانی شدن نیز روشن می‌شود. جهانی شدن در منظر اسلامی یعنی تحقق حکومت عدل جهانی که مقدمه آن نبرد نهایی حق و باطل است و برای این نبرد باید جبهه حق را تقویت کرد و این همان سخن امام خمینی علیه السلام است که «ما انقلاب خود را به جهان صادر خواهیم کرد»؛ البته باید توجه داشت که تقویت این جبهه پیش از آن که تقویت نظامی باشد، تقویت فرهنگی و معنوی است؛ زیرا اساس هویت این جبهه، معنویت است و مقصود این است که باید حق و عدل را هر چه واضح‌تر و صیقلی‌تر آشکار کرد و توان فهم مردم از حق و عدل را افزایش داد؛ به گونه‌ای که مردم بتوانند حکومت عدل را تحمل کنند! خوب است به این نکته توجه کنیم که حضرت مهدی علیه السلام بالاتر از حضرت علی علیه السلام نیست؛ پس ویژگی مهم حکومت عدل مهدی، به فاعل آن بر نمی‌گردد؛ بلکه به قابل برمی‌گردد؛ یعنی در زمان مهدی مردم به حدی از بلوغ فکری رسیده‌اند که بتوانند حق را از باطل تشخیص دهند و تسلیم دشمنانی نشوند که می‌کوشند لباس باطل بر چهره حق بپوشانند تا مردم را از آن رویگردان کنند و به جای آن باطلی که با حق مخلوط شده، به خورد آنها بدهند؛ اما مردمی که درک صحیح و معقولی از عدل ندارند، حتی حکومت علی نیز بر آنها تنگ می‌آید؛ هرچند که نمی‌دانند. به تعبیر امیرمؤمنان علیه السلام: «من ضاق علیه العدل فالجور علیه أضيّق» (جندقی، ۱۳۸۱).

با توجه به آنچه در خصوص انتظار گفته شد، خوب است نگاهی دوباره به حدیث معروفی بیندازیم که می‌گوید ظهور در زمانی رخ می‌دهد که زمین پر از ستم شده باشد که این حدیث چگونه با مباحث پیشین قابل جمع است. می‌توان چنین گفت:

اولاً پر از ظلم شدن، از علائم ظهور است نه از علل ظهور. در واقع، شرح مذکور که می‌گفت باید به شیوع ظلم کمک کرد، از این پندار ناشی بوده که شیوع ظلم، علت ظهور است؛ در حالی

که علت ظهور این است که مقدمات ظهور (همان مشخص شدن جبهه حق و باطل و تقویت جبهه حق) آماده شده باشد. برای این که تفکیک مفهوم علامت شی و علت شی بهتر مشخص شود می‌توان از این تمثیل استفاده کرد. فرض کنید در یک ایستگاه قطار، تابلویی درست کرده‌اند که یک دقیقه قبل از ورود هر قطار به ایستگاه، آمدن آن را اعلام می‌کند، و البته بعد از این اعلام، قطار می‌آید. در این جا این اعلام، علامت آمدن قطار است نه علت آمدن قطار، و اگر ما بخواهیم به آمدن قطار کمک کنیم، باید به موتور محرک قطار بیندیشیم، نه به دست کاری کردن در تابلو مذکور. ما هر قدر تابلو را تغییر دهیم، به خودی خود تأثیری در آمدن قطار ندارد. بحث شیوع ظلم نیز این‌گونه است و از این گونه علامت‌ها که خودشان علت نیستند، در خصوص ظهور موارد متعددی گفته شده است؛ نظیر مثلاً آمدن دجال. همان‌طور که معنا ندارد برای تعجیل در ظهور، بگردیم یک نفر به نام دجال بیابیم و از او حمایت کنیم که اقدامات خاصی را انجام دهد، به همین ترتیب معنا ندارد برای تعجیل در ظهور، به افزایش ظلم بپردازیم.

ثانیاً آن‌گونه که استاد مطهری رحمته‌الله هم متذکر شده، «در این حدیث تکیه بر روی ظلم شده است و سخن از گروه ظالم است که مستلزم گروه مظلوم است و می‌رساند که قیام مهدی علیه‌السلام برای حمایت مظلومانی است که استحقاق حمایت دارند. بدیهی است که اگر در حدیث گفته شده بود «زمین را پر از ایمان و صلاح و توحید می‌کند، بعد از این که پر از کفر و شرک و فساد شده بود»، مستلزم این نبود که لزوماً گروهی مستحق حمایت وجود داشته باشد. در آن صورت بود که می‌شد استنباط کرد که قیام مهدی موعود علیه‌السلام برای نجات حق از دست رفته و به صفر رسیده است، نه برای نجات گروه اهل حق - ولو به صورت یک اقلیت».

ثالثاً به نظر می‌رسد با توضیحاتی که در خصوص چگونگی تقویت جبهه حق داده شد (این که وظیفه مهم، بالا بردن درک مردم درباره عدل و تشخیص حق از باطل است) می‌توان گفت: شاید مقصود از پر شدن زمین از ظلم، به اقتضای درک انسان‌ها باشد، نه به اقتضای افعال خارجی ظالمانه آنها، یعنی شاید مقصود این است مردم به رشدی می‌رسند که دیگر درک می‌کنند جهان پر از ظلم است و دیگر ظلم را تحمل نمی‌کنند و برای همین منتظر عدل می‌شوند. برای این که مسئله بهتر روشن شود می‌توان به تاریخ بشر نگاهی کرد؛ برای مثال مردم زمان فرعون در ظلمی بزرگ به سر می‌بردند؛ اما می‌توان گفت: اعتراض جدی به این ظلم نداشتند و گویی که به آن وضع راضی بودند یا حتی برای این که مقایسه بهتر شود اگر میزان

ظلمی که در کل جهان حدود ۵۰ سال پیش می‌رفت را با ظلم امروز مقایسه کنیم، شاید مقدارش بیشتر نشده باشد؛ اما حساسیت مردم جهان به ظلم بیشتر شده است. جنایاتی که امریکا در ویتنام انجام داد، شاید به مراتب شدیدتر از جنایاتی باشد که امروزه در عراق مرتکب می‌شود؛ اما اعتراض جهانی که امروزه به این جنایات می‌شود، در آن روز به آن جنایات نمی‌شد.

رابعاً کنار این حدیث، احادیث دیگری نیز وجود دارد مبنی بر این که ظهور تحقق نمی‌پذیرد، مگر این که هر یک از شقی و سعید به نهایت کار خود برسد؛ یعنی سخن در این است که هر دو گروه به نهایت کار خود می‌رسند نه این که فقط اشقیاء به نهایت درجه شقاوت برسند. همان طور که در روایات اسلامی سخن از گروهی زبده است که به محض ظهور امام، به آن حضرت ملحق می‌شوند. معلوم می‌شود در عین اشاعه و رواج ظلم و فساد، زمینه‌هایی عالی وجود دارد که چنین گروهی را پرورش داده است. این خود می‌رساند که نه تنها حق و حقیقت به صفر نرسیده است، بلکه فرضاً اگر اهل حق از نظر کمیت قابل توجه نباشند، از نظر کیفیت ارزنده‌ترین اهل ایمانند و در ردیف یاران سیدالشهداء. افزون بر این که از نظر روایات اسلامی، در مقدمه قیام و ظهور امام، یک سلسله قیام‌های دیگر از طرف اهل حق صورت می‌گیرد که به طور قطع اینها نیز ابتدا به ساکن و بدون زمینه قبلی رخ نمی‌دهد و حتی در برخی روایات سخن از دولتی از اهل حق است که تا قیام مهدی ادامه می‌یابد. (سوزنجی، ۱۳۹۳)

بهبود کیفیت زندگی یکی از مباحث اصیل و بنیادینی است که امروزه در جوامع بسیار مورد توجه قرار گرفته است. از طرفی دین هم به عنوان راهی برای ادامه مسیر زندگی، و در سایه رسالت پیامبران و امامت ائمه درصددند تا برنامه‌ای برای بهبود همه‌جانبه زندگی ارائه دهند. در این مطالعه تلاش شده است تا آثار دینی، تربیتی و سیاسی اعتقاد به مهدویت در کیفیت بخشی به زندگی دانش‌آموزان، مورد بررسی قرار گیرد و میزان آن با توجه به تأثیر آن در زندگی فردی و جمعی محک زده شود. براساس آن چه جامعه‌شناسان و روانشناسان بر آن معتقدند چنانچه فرد در زندگی دارای هیجانات مثبت و امید در زندگی باشد کیفیت زندگی او بهبود یافته و این امر با آموزه‌های دینی ما مبنی بر امید به آینده، توکل بر پروردگار و آثار آن مشابهت و مطابقت دارد. لذا می‌توان نتیجه گرفت که دین مبین اسلام با توجه به شناخت کامل از فطرت آدمی و ویژگی‌هایش توصیه و پیامدهای مناسبی ارائه داده که در نهایت منجر به بهبود کیفیت زندگی انسان می‌شود.

روش تحقیق

با توجه به این‌که تحقیق حاضر قصد دارد به بررسی تأثیر اعتقاد به مهدویت در کیفیت بخشی به زندگی در دانش‌آموزان بپردازد، لذا از روش توصیفی / پیمایشی استفاده شد. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه شهرستان خرم‌آباد به تعداد ۸۰۰۰ نفر بودند. حجم نمونه آماری با استفاده از جدول مورگان به تعداد ۳۶۷ نفر برآورد گردید که به صورت نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند.

پژوهشگران با توزیع پرسشنامه محقق ساخته به بین افراد نمونه اطلاعات مورد نیاز از آنها را گردآوری نمودند. پرسش‌نامه مذکور در دو بخش تهیه شد:

بخش اول در راستای آثار دینی، تربیتی و سیاسی مهدویت تنظیم گردید. آثار دینی دارای هفت گویه "گرامی داشت مراسم نیمه شعبان، برگزاری ادعیه خاص حضرت، توجه به اماکن ویژه حضرت، صدقه دادن به قصد سلامت حضرت، هدیه دادن پاداش اعمال نیم به حضرت، توجه به نظارت حضرت در شبهای قدر، توسل‌های جمعی بر حضرت"، آثار تربیتی دارای چهار گویه "ایجاد روحیه امیدواری به آینده‌ای روشن، اعتقاد به روز داوری، موعودگرایی، اعتقاد به روز بازپسین"، آثار سیاسی دارای سه گویه ایجاد جنبش‌های علیه ظلم، جلوگیری از ادعاهای دروغین مصلح آخرالزمان، ایجاد انقلاب‌های سیاسی" بودند.

بخش دوم هم در راستای سه بعد کیفیت زندگی یعنی سلامت روحی، اجتماعی و محیطی تنظیم گردید. سلامت روحی دارای هفت گویه "آرامش روحی، توانایی بر کنترل نفس، داشتن صفت تواضع، شکر، نیایش، حسن نیت، صبر"، سلامت اجتماعی دارای چهار گویه "آرامش فردی، روابط متوازن با هنجارهای اجتماعی، وجود نشاط اجتماعی، ایجاد روحیه همکاری اجتماعی"، و سلامت محیطی دارای سه گویه ایجاد فضای بهداشتی برای عبادت، ایجاد فضاهای سبز و ارتباط با طبیعت بودند.

روایی پرسش‌نامه از طریق نظرات متخصصان مورد تأیید قرار گرفت و برای روشن شدن پایایی پرسش‌نامه ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد. به این جهت، اقدام به پیش‌آزمون یک نمونه اولیه شامل ۳۰ پرسش‌نامه گردید و سپس با بهره‌گیری از اطلاعات حاصله از این پرسش‌نامه‌ها، میزان ضریب آلفای کرونباخ ۰.۸۹۷ به دست آمد که گویای پایایی بالایی است. به منظور تعیین نرمال بودن داده‌ها از آزمون کولموگروف اسمیرنوف و برای تأیید صحت فرضیه‌ها از آزمون رگرسیون استفاده شد. نرم‌افزار آماری SPSS بود.

یافته‌ها

الف) نتایج آزمون کولموگروف - اسمیرنوف

فرض نرمالیتی متغیرهای تحقیق را به صورت زیر می‌توان نوشت:

- فرض صفر: داده‌ها از توزیع نرمال پیروی می‌کنند؛

- فرض مخالف: داده‌ها از توزیع نرمال پیروی نمی‌کنند.

یافته‌های حاصل از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف تک نمونه‌ای نشان می‌دهد که آیا داده‌های آماری از توزیع نرمال برخوردارند یا خیر؟ همان‌طور که مشاهده می‌شود، در تمامی متغیرها، سطح معنی‌داری بیش از ۰/۰۵ است که فرض عدم نرمال بودن توزیع داده‌ها رد می‌شود. بنابراین داده‌ها از توزیع نرمال برخوردار هستند. بنابراین داده‌ها از توزیع نرمال برخوردار هستند. لذا مقدار آزمون کولموگروف - اسمیرنوف برای آثار دینی برابر ۱.۶۷۹، برای آثار تربیتی برابر ۱.۹۵۹ و برای آثار سیاسی برابر ۲.۸۸۳ و برای کل داده‌ها برابر ۱.۲۰۲ می‌باشد از طرفی مقدار sig برای آثار دینی برابر ۰.۰۰۷ و برای آثار تربیتی برابر ۰.۰۰۱ و برای آثار سیاسی برابر ۰.۰۰۰ و برای مقدار کل برابر ۰.۱۱۱ می‌باشد لذا توزیع داده‌ها نرمال است.

ب) نتایج بررسی فرضیه‌ها

فرضیه اول: آثار دینی اعتقاد به مهدویت در کیفیت بخشی به زندگی دانش‌آموزان تأثیر دارد. جدول (۱) اطلاعات ضروری برای پیش‌بینی آثار دینی را در اختیار ما قرار می‌دهد. مشاهده می‌کنیم که مقدار ثابت ضریب رگرسیون و کیفیت زندگی، هر دو، در مدل معنادار شده‌اند. به ستون sig نگاه می‌کنیم. پس از تعیین معنادار بودن مقدار آثار دینی، مشاهده می‌کنیم که ضریب رگرسیونی استاندارد شده یا بتا برابر است با ۰/۸۹۵ که نشان‌گر میزان تأثیر آثار دینی بر کیفیت زندگی است. ستون آخر جدول sig معناداری آماری مدل رگرسیون را نشان می‌دهد که چنان‌چه میزان به دست آمده کمتر از ۰.۰۵ باشد نتیجه می‌گیریم که مدل به کار رفته، پیش‌بینی‌کننده خوبی برای آثار دینی است. میزان معناداری در مثال ما کمتر از میزان ۰.۰۰۰ است که بیانگر این است که مدل رگرسیونی معنادار است.

جدول (۱) اطلاعات ضروری برای پیش‌بینی آثار دینی

فرضیه اول	رگرسیون		t	Sig.
	انحراف استاندارد	بتا		
1 آثار دینی کیفیت زندگی	.425	.895	5.374	.000
	.012		36.317	.000

با توجه به فرض صفر و یک و با توجه به انجام آزمون آماری رگرسیون نتیجه‌گیری می‌شود که آثار دینی در کیفیت بخشی به زندگی دانش‌آموزان تأثیر دارد.
فرضیه دوم: آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت در کیفیت بخشی به زندگی دانش‌آموزان تأثیر دارد.

جدول (۲) اطلاعات ضروری برای پیش‌بینی آثار دینی را در اختیار ما قرار می‌دهد. مشاهده می‌کنیم که مقدار ثابت ضریب رگرسیون و کیفیت زندگی، هر دو، در مدل معنادار شده‌اند. به ستون sig نگاه می‌کنیم. پس از تعیین معنادار بودن مقدار آثار دینی، مشاهده می‌کنیم که ضریب رگرسیونی استاندارد شده یا بتا برابر است با ۰/۸۵۹ که نشانگر میزان تأثیر آثار تربیتی بر کیفیت زندگی است. ستون آخر جدول sig معناداری آماری مدل رگرسیون را نشان می‌دهد که چنانچه میزان به دست آمده کمتر از ۰.۰۵ باشد نتیجه می‌گیریم که مدل به کار رفته، پیش‌بینی‌کننده خوبی برای آثار تربیتی است. میزان معناداری در مثال ما کمتر از میزان ۰.۰۰۵ است که بیانگر این است که مدل رگرسیونی معنادار است.

جدول (۲) اطلاعات ضروری برای پیش‌بینی آثار تربیتی

فرضیه دوم	رگرسیون		t	Sig.
	انحراف استاندارد	بتا		
1 آثار تربیتی کیفیت زندگی	.360	۵۹.۸	-2.826	.005
	.010		30.371	.000

با توجه به فرض صفر و یک و با توجه به انجام آزمون آماری رگرسیون نتیجه‌گیری می‌شود که آثار تربیتی در کیفیت بخشی به زندگی در دانش‌آموزان تأثیر دارد.
فرضیه سوم: آثار سیاسی اعتقاد به مهدویت در کیفیت بخشی به زندگی دانش‌آموزان تأثیر دارد.

جدول (۳) اطلاعات ضروری برای پیش‌بینی آثار سیاسی را در اختیار ما قرار می‌دهد. مشاهده می‌کنیم که مقدار ثابت ضریب رگرسیون و کیفیت زندگی، هر دو، در مدل معنادار

شده‌اند. به ستون sig نگاه می‌کنیم. پس از تعیین معنادار بودن مقدار آثار سیاسی، مشاهده می‌کنیم که ضریب رگرسیونی استاندارد شده یا بتا برابر است با ۰/۸۷۳ که نشانگر میزان تأثیر آثار سیاسی بر کیفیت زندگی است. ستون آخر جدول sig معناداری آماری مدل رگرسیون را نشان می‌دهد که چنانچه میزان به دست آمده کمتر از ۰.۰۵ باشد نتیجه می‌گیریم که مدل به کار رفته، پیش‌بینی‌کننده خوبی برای آثار سیاسی است. میزان معناداری در مثال ما کمتر از میزان ۰.۰۰۰ است که بیانگر این است که مدل رگرسیونی معنادار است.

جدول (۳) اطلاعات ضروری برای پیش‌بینی آثار سیاسی

فرضیه سوم	رگرسیون		t	Sig.
	انحراف استاندارد	بتا		
1 آثار سیاسی کیفیت زندگی	.279	.873	-4.193	.000
	.008		32.345	.000

با توجه به فرض صفر و یک و با توجه به انجام آزمون آماری رگرسیون نتیجه‌گیری می‌شود که آثار سیاسی در کیفیت بخشی به زندگی در دانش‌آموزان تأثیر دارد.

نتیجه‌گیری

هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی آثار دینی، تربیتی و سیاسی اعتقاد به مهدویت در کیفیت بخشی به زندگی دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه شهرستان خرم‌آباد بود. چراکه به سبب اهمیت شاخص‌های کیفیت بخشی به زندگی نیاز به داشتن سبکی مدون و اصولی در روال زندگی داشتند. در بررسی آثار دینی که شامل برگزاری مراسمات خاص دینی هستند که موجب بهبود کیفیت زندگی دانش‌آموزان بود، با انجام آزمون تحلیل استنباطی ضریب بتا ۰.۸۹۵ شد لذا برای بهبود کیفیت زندگی می‌توان از اثرات دینی اعتقاد به مهدویت استفاده کرد. در بررسی آثار تربیتی که متاثر از ایجاد روحیه و تربیت شخصیت دانش‌آموزان بود با انجام آزمون تحلیل استنباطی ضریب بتا ۰.۸۵۹ شد بر این اساس پیشنهاد می‌شود از طریق پرورش بعد اعتقادی به تقویت آثار تربیتی در دانش‌آموزان پرداخته شود. و در بررسی آثار سیاسی که شامل ایجاد روحیه انقلابی در سطح جامعه بود با انجام آزمون تحلیل استنباطی ضریب بتا ۰.۸۷۳ شد در این جهت هم پیشنهاد می‌گردد که با پرورش بعد سیاسی به تقویت آثار سیاسی در سطح جامعه و به ویژه دانش‌آموزان پرداخته شود. امید است با اعمال تربیت و ترویج عمیق و منسجم آموزه‌های مهدوی و سبک زندگی زمینه‌ساز ظهور بتوان شاهد تحول اخلاقی و

فرهنگی در سطح جامعه بود و به جایگاه جامعه منتظر نائل آمد.

منابع

۱. ابراهیمی دینانی، غلامحسین (۱۳۷۲)، *قواعد کلی فلسفی در فلسفه اسلامی*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، دوم.
۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۵)، *رحیق مختوم شرح حکمت متعالیه*، قم: مرکز نشر اسراء، اول.
۳. جندقی، بهروز (۱۳۸۱)، «مهدویت از دیدگاه دین پژوهان و اسلام شناسان غربی» (ترجمه مقاله از دائرةالمعارف دین، میرچا الیاده)، ش ۶ و ۷.
۴. سوزنچی، حسین (۱۳۸۳)، «حل پارادوکس آزادی در اندیشه شهید مطهری»، *قبسات*، ش ۳۰ و ۳۱.
۵. شریعتی، علی (۱۳۶۲ ش)، *انتظار مکتب اعتراض*، تهران: نشر الهام.
۶. طوسی، محمدبن حسن (۱۴۱۱ ق)، *الغیة*، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۷. کلینی، محمدبن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ ق)، *الکافی*، قم: دارالحدیث.
۸. مطهری، مرتضی (۱۳۶۷ ش)، *انسان کامل*، تهران: صدرا، اول.
۹. مفتاح، احمدرضا؛ محمدی، ناصر (۱۳۹۸)، «نقش باور به مهدویت در معنا بخشی زندگی فردی»، *فصل نامه مشرق موعود*، شماره ۴۶.
۱۰. مفید، محمدبن محمدبن نعمان (۱۴۱۴ ق)، *الارشاد فی معرفة حجج الله فی العباد*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۱. اله بداشتی، علی (۱۳۹۹)، «نقش مهدویت در معناداری زندگی شیعیان»، *فصل نامه مشرق موعود*، دوره ۶، شماره ۲۲.